

مختصات سبک زندگی مطلوب در نظام مردم سالاری اسلامی

غلامرضاخواجه سروی^۱

اقدس اقبال^۲

جواد طباطبائی ممقانی^۳

چکیده

سبک زندگی اسلامی از آن رو که متصف به قید اسلامی و در جوهره اسلامی است تمامی شئون حیات این جهانی انسان را در برمی گیرد و بخش مهمی از آن موضوع تعامل مردم با نظام سیاسی و در نظام فعلی جمهوری اسلامی یعنی همان مردم سالاری دینی است. در خصوص مختصات تجویزی در سبک زندگی اسلامی در ابتدا بحث بنیادین و جوب نظام سازی اسلامی بر پایه (عدالت محوری، مسولیت پذیری و ساده زیستی) مطرح می‌باشد. در چارچوب نظام مردم سالاری اسلامی تحقق سبک زندگی اسلامی مستلزم عینیت یابی وظایف حاکمان و کارگزاران سیاسی در برابر مردم یعنی (مدارا و کنشگری صادقانه، امیدبخشی، تحیرزدایی و گزینش صالحان برای مسولیت‌ها) است و در طرف مقابل وظایف مردم در برابر نظام مردم سالاری اسلامی (وفاداری به نظام اسلامی، مشارکت سیاسی و امر به معروف و نهی از منکر کارگزاران و همکاری اطلاعاتی) می‌باشد. این پژوهش ضمن واکاوی تجویزات و فرامین اسلامی مستخرج از سیره معصومین در چارچوب سبک زندگی اسلامی کلاسیک به قانون اساسی و مردم سالاری دینی کنونی در ایران نیز به عنوان تلاشی برای تحقق این مهم توجه دارد.

واژگان کلیدی: سبک زندگی اسلامی، مردم سالاری اسلامی، تعامل، نظام سازی،

وظایف.

۱- دانشیار علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی khajehsarvy@yahoo.com

۲- دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی aeghbal1986@yahoo.com

۳- دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی jtm1344@gmail.com

مقدمه

مردم سالاری دینی مولود اصل و جوب نظام سازی در اسلام می باشد. در نظام سازی سازی سه رکن مطرح می باشد. ۱. سنت ماثوره (فقه اسلامی، حجت قولی و فعلی پیامبر (ص) و سیره معصومین)؛ ۲. منابع و استاد مکتوب (طرح حکومت اسلامی مطروحه از سوی امام خمینی (ره) و قانون اساسی) و ۳. تجربه زیسته انقلاب اسلامی. هرگونه نظام سازی باید این ۳ رکن را در خود گرفته و به اقتباس و الهام از آن پردازد. در پردازش سبک زندگی تجویز شده در خصوص رابطه کارگزاران سیاسی و مردم به منظور کاربست در مردم سالاری اسلامی در ایران به دو وجه کلاسیک و نوین باید توجه داشت. وجه کلاسیک آن تجویزات پیامبر و ائمه معصومین خصوصاً امام علی (ع) (نهج البلاغه و نامه به مالک اشتر) می باشد. وجه نوین، پیچیده و مدرن آن نیز در قانون اساسی کنونی جمهوری اسلامی ایران است که برگرفته از سبک زندگی اسلامی کلاسیک و مطابق با پیچیدگی ها و نیازهای اجتماعی دنیای کنونی می باشد. هردوی این وجوه حول یک محور یعنی «تعامل»^۱ میان مردم و کارگزاران سیاسی گرد هم می آیند و در آن خلاصه می شوند. یک تعامل ساخت یافته^۲، روشمند و مبتنی بر حقوق متقابل.

بنابراین این پژوهش در خصوص رابطه بین مردم و کارگزاران در سبک زندگی اسلامی صرفاً به بیان تجویزات نمی پردازد، گرچه بررسی تجویزات بخش مهمی از این پژوهش را شامل می شود اما با در نظر گرفتن موضوع تعامل بین مردم و کارگزاران که نمود تحقق یافته آن در قانون اساسی و حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران در چارچوب حق حاکمیت مردم نمایان می باشد پلی بین این دو ایجاد کرده و به بررسی اصول نظام سازی اسلامی در سبک زندگی اسلامی و وظایف کارگزاران و حاکمان در برابر یکدیگر می پردازد. تجویزات سبک زندگی اسلامی کلاسیک مستخرج از سخنان و سیره پیامبر و معصومین و به ویژه امام علی (ع) می باشد. نامه امام علی (ع) به مالک اشتر نخعی همچون مانیفیستی است که می توان کماکان در

1. Interaction
2. Structural

جهان اسلام آن را منبع الهام و عملکرد قرار داد. در ابتدای پژوهش، بنیادهای نظام سازی در سبک زندگی اسلامی مطرح می شود. پس از آن به وظایف کارگزاران در برابر مردم و مردم در برابر کارگزاران سیاسی پرداخته می شود و با عطف توجه به موضوع اصلی این پژوهش یعنی تعامل بین مردم و کارگزاران در سبک زندگی اسلامی به بررسی قانون اساسی در نظام مردم سالار دینی و مختصات این تعامل مورد پرداخته می شود. در نهایت نیز جمع بندی از مباحث ارائه می گردد.

نظام سازی و سبک زندگی اسلامی

فراهم شدن بستر پیاده سازی سبک زندگی اسلامی نیازمند نظام سازی اسلامی می باشد. مادامیکه نظام اسلامی وجود نداشته باشد، صحبت از سبک زندگی اسلامی و معنایابی عینی آن بسیار دشوار خواهد بود. تحقق سبک زندگی اسلامی بدون وجود یک نظام اسلامی بسیار بعید به نظر می رسد. از این روست که اهمیت نظام سازی اسلامی و در شکل کنونی آن یعنی مردم سالاری اسلامی مطرح می باشد.

از نظام^۱ تعریف های گوناگونی شده است و مهمترین وجه آن به «داشتن عناصر مختلف دارای کنش و واکنش متقابل» بر می گردد که این عناصر دارای «اهداف» خاصی اند. پس نظام به مفهوم ارتباط دهنده و پیوند دهنده اجزایی است که هدف مشخصی را تعقیب می کند. یک نظام دارای ویژگی هایی از جمله تشکیل نظام از اجزای متفاوت، نظم روابطی بین اجزاء، تشکیل الگو از نظم اجزاء، روابط بنیادین بین اجزای نظام و داشتن هدف واحد است (عالم، ۱۳۷۳، ص ۱۴۹).

نظام سیاسی در کنار دیگر نظام های یک جامعه قدرت و اقتدار عالی را دارد اما به صورت عام شامل همه نظام ها نیز می شود و می توان گفت نظام سیاسی موجد همه نظم و ظرفیت سیاسی است که اگر مکتبی توان و ظرفیت ساخت یک نظام خاص را داشته باشد می تواند ادعا کند که

1. system

همه زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی را سامان داده است. بر همین اساس برخی معتقدند نظام سیاسی از مجموعه مهمی از نهادهای اجتماعی تشکیل می‌یابد که با صورت بندی و اجرای اهداف جمعی برای یک جامعه یا گروه‌های داخلی آن سرو کار دارند (آلموند، ۱۳۷۶، ص ۵). اخت سیستم سیاسی به عنوان ضرورت اساسی جامعه است و این سیستم باید براساس مبانی نظری و ایدئولوژی حاکم و مورد قبول طراحی شود. به طور مثال دین اسلام که دارای جامعیت و کمال است برای تحقق این محور نیازمند داشتن نظامی است که بر اساس دین طراحی و اجرا شود. به عبارت دیگر خود این مکتب توان ساخت نظام را داشته باشد و ظرفیت تحقق آن را ایجاد نماید.

بر اساس جامعیت و کمال دین که در کتب دیگر مورد تأیید و نظر علمای اسلامی است دین اسلام واجد این ظرفیت است و برای تحقق آن باید اقدام کرد. البته اقداماتی در راستای ساخت نظام انجام شده است ولی برای ساخت نظام براساس فقه در همه جوانب نیازمند تحقیقات گسترده فقهاست. نظام سازی به صورت کوتاه «ایجاد منسجم‌ترین و معقول‌ترین ساختار بین اجزای یک مجموعه که کوتاه‌ترین و سریع‌ترین مسیر به سوی هدف را موجب شود.» (نبوی، ۱۳۵۷، ص ۲۱).

بنابراین تشکیل نظام اسلامی از ضروریات دین اسلام و مذهب تشیع است، چرا که بدون حکومت اسلامی اجرای احکام اسلامی در امور سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی، نظامی، و حتی امور فردی و مذهبی مسلمانان معطل و مختل خواهد شد. تجربه تاریخی و عینی این حقیقت را به وضوح ثابت می‌کند، از این رو پیامبر بزرگ اسلام پس از هجرت به مدینه در اولین فرصت به تأسیس نظام و حکومت اسلامی پرداخت.

بنیادهای تجویزی در باب نظام سازی در سبک زندگی اسلامی

بررسی سیره و اقوال معصومین نشان می‌دهد که ساخت حکومت اسلامی مستلزم وجود ویژگی‌هایی بنیادین در حاکمان می‌باشد که برخی از آنها در اینجا اشاره می‌گردد.

عدالت محوری: با دقت در کلام معصومان (س) در این باره، محوریت این موضوع به وضوح آشکار می‌گردد، چرا که در بیشتر موارد، وصف عدالت برای امام و نیز برای کارگزاران به کار رفته است. رسول خدا (ص) فرمود: یک لحظه امام عادل از عبادت هفتاد سال برتر است.^۱

امیر مؤمنان (س) نیز می‌فرماید: عدالت سپر نگهبان حکومت‌هاست.^۲

در اسلام، ظلم به دیگران مذموم است و همگان موظف به رعایت حقوق همدیگر و رفتار عادلانه هستند. در این بین، حاکمان و کارگزاران مسئولیت ویژه‌ای دارند؛ یعنی در رفتار با مردم باید به گونه‌ای باشند که هیچ ظلمی را روا ندارند و همواره در مسیر تحقق عدالت در همه شئون جامعه گام بردارند.

امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «به خدا سوگند، اگر هفت اقلیم را با آنچه در زیر آسمان‌هاست، به من بدهند تا خدا را نافرمانی کنم در پوست جوی که از مورچه‌ای ناروا بگیرم، چنین نخواهم کرد (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

بنابراین، ارتکاب ظلم از هیچ کسی پذیرفته نیست و گناه بزرگی محسوب می‌شود. از این رو، حضرت علی (علیه السلام) در منشور حکومت اسلامی (نامه ۵۳) مالک اشتر را به رعایت انصاف و عدالت و پرهیز از ظلم و ستم فرمان می‌دهد و رهاورد شیرین عدالت محوری و رفتار عادلانه را بیان داشته و به نتایج شوم رفتار ظالمانه نیز اشاره نموده است: «با خدا و با مردم و با خویشاوندان نزدیک و با افرادی از رعیت خود، که آنان را دوست داری، انصاف را رعایت کن، که اگر چنین نکنی ستم روا داشته‌ای، و کسی که به بندگان خدا ستم روا دارد خدا به جای بندگانش دشمن او خواهد بود، و آن را که خدا دشمن شود، دلیلش را نپذیرد؛ که با خدا سر جنگ دارد، تا آن گاه که باز گردد یا توبه کند، و چیزی همچون ستم کاری، نعمت خدا را دگرگون نمی‌کند، و کیفر او را نزدیک نمی‌سازد، که خدا دعای ستم دیدگان را می‌شنود و در

۱- ساعه من امام عدل أفضل من عباده سبعین سنه و ... (الکافی، ج ۷، ص ۱۷۵).

۲- العدل جنة الدول (غررالحکم، ص ۳۴۰).

کمین ستم کاران است. دوست داشتنی ترین چیزها نزد تو در حق میانه ترین، و در عدل فراگیرترین، و در جلب خشنودی مردم گسترده ترین باشد، که همانا خشم عمومی مردم، خشنودی خواص (نزدیکان) را از بین می برد، اما خشم خواص را خشنودی همگان بی اثر می کند.

از امام رضا (ع) درباره راز پیروی از اولوالأمر چنین نقل شده است: اگر گفته شود: چرا خدای متعالی اولوالأمر را نصب کرد و اطاعت از او را به همگان فرمان داد؟ برای علت های بسیار، از جمله اینکه مردم با مجموعه ای از بایدها و نبایدها محدود شده اند و نباید از این محدوده تجاوز کنند و چون تعدی از آنها موجب فساد آنهاست، این التزام و رعایت حدود، اجرا نمی شود و پایدار نمی ماند مگر اینکه خدا والی امینی را برای مردم برگزیند تا آنان را از این تجاوز بازدارد^۱.

از دیدگاه علی (ع) یکی از ویژگی ها و صفات مهم کارگزاران نظام اسلامی، عدالت، ظلم ستیزی و مساوات نگری است. عدالت و ظلم ستیزی از مقوله هایی است که در فرهنگ علی (ع) از اهمیت ویژه ای برخوردار است. این نگاه امام با دیدگاه قرآن و منظر رهبران الهی دیگر نیز هماهنگ است. چنانکه در قرآن یکی از اهداف بعثت انبیاء برقراری عدالت بیان شده است. و همه مسلمانان و مؤمنان به این عنصر و پدیده مهم ارزشی دعوت شده اند: «ان الله یامر بالعدل و الاحسان»: «یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط...» یکی از اهداف و آرمان بلند علی (ع) برقراری عدالت و ظلم ستیزی است. از این رو است که آن حضرت یکی از اهداف حکومت خویش را برقراری عدالت که مصداق بارز آن، احقاق حق محرومان است؛ بیان کرده است. از این رو کارگزاران او هم باید عادل باشند و هم مساوات نگر؛ که هیچ گاه از مسیر عدالت منحرف نشده و در سیاستگزاری های کشور عدالت را رعایت کنند. چه بسا به خاطر عدم رعایت عدالت، حق محرومی ضایع شده و انسانی بی گناه به پای دار برود. به خاطر اهمیت و حسن

۱- فان قال قائل: فلم جعل أولی الأمر و أمر بطاعتهم؟ قيل: لعل كثيره منها أن الخلق لما وقفوا على حد محدود و أمروا أن لا يتعدوا ذلك الحد لما فيه من فسادهم لم يكن يثبت ذلك ولا يقوم إلا بان يجعل عليهم فيه أمينا يمنعه منه (عيون اخبار الرضا (س)، ج ۲، ص ۱۰۰).

عدالت و قبح ظلم است، که از دیدگاه علی(ع) رهبر عادل برترین بندگان خدا و حاکمان ظالم برترین انسان‌ها معرفی شده است.

مسئولیت پذیری کارگزاران حکومتی

در نظام اسلامی همه اقشار و طبقات مردم در قلمرو کار و مأموریت خود باید مسئولیت‌پذیر باشند و این ویژگی در حاکمان و کارگزاران نظام اهمیتی فزون‌تر دارد. پیامبر (ص) می‌فرماید: آگاه باشید همه شما در برابر تعهدات خود، نگهبان و مسئولید. پس حاکم و کارگزار در مقابل مسئولیتی که بر عهده دارد در برابر مردم مسئول و متعهد است.^۱

اصل مسئولیت‌پذیری انسان که به دلیل خودآگاهی و اختیار اوست، نوعی رفتار اخلاقی است که همراه با الزام بوده و تعهدآور می‌باشد، تعهدی که با اختیار و تصمیم آدمی منافات ندارد. مسئولیت‌های اخلاقی گاه به صورت «اخلاق فردی» (قرآن مجید) است که هر فردی به عنوان شخص حقیقی صرف نظر از شغل و کارش نسبت به رفتارهای خود در قبال خود، خانواده و جامعه دارای مسئولیت بوده و باید پاسخگو باشد (ایزدی فرد، ۱۳۸۹، ص ۱۱). تلاش در جهت کسب مکارم و فضائل، برآوردن حاجت دیگران، متابعت از حق و ملازمت با آن، پرداخت حقوق دیگران، استفاده بهینه از نعمت‌های الهی، رعایت حقوق دوستان و پدر و فرزند، توجه به مشکلات جامعه و کمک به مردم از موارد مسئولیت‌های فردی است که در نهج البلاغه بدان اشاره شده است (نامه ۵۳ و حکمت ۹۸، ۱۳۴، ۲۴۴، ۲۵۷، ۳۳۰، ۳۳۹ و ۴۴۶).

گاهی مسئولیت‌های اخلاقی به صورت «اخلاق شغلی» (آشوب، ۱۴۰۵) است و هر فردی با توجه به شغل و حرفه‌ای که دارد، دارای مسئولیت‌های اخلاقی خاصی است؛ مانند مسئولیت‌های اخلاقی یک پزشک، کارمند بانک، وکیل و معلم. از دیدگاه حضرت علی (ع) هر شغل و حرفه‌ای دارای بایدها و نبایدهای خاصی است که از آن جمله عبارتند از: مسئولیت علماء در نشر علم و دانش، مسئولیت کارمندان در رعایت تقوای الهی و اطاعت از خدا و ادای امانت و

۱- أَلَا كَلُّكُمْ رَاعٍ وَ كَلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، فَلَا مِيرُ عَلَى النَّاسِ رَاعٍ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ... (ارشادالقلوب، ص ۱۸۴).

مردم‌داری، مسئولیت مدیران و کارگزاران در حمایت از دین خدا و مقابله با غرور و سرکشی گنهکاران و دفاع از حدود و ثغور مملکت اسلامی و فروتنی نسبت به مردم، مسئولیت سرمایه‌داران در کمک به فقرا و ادای حقوق آنان (خطبه ۱۰۵ و نامه ۲۶ و ۴۶ و حکمت ۳۲۸ و ۴۷۸).

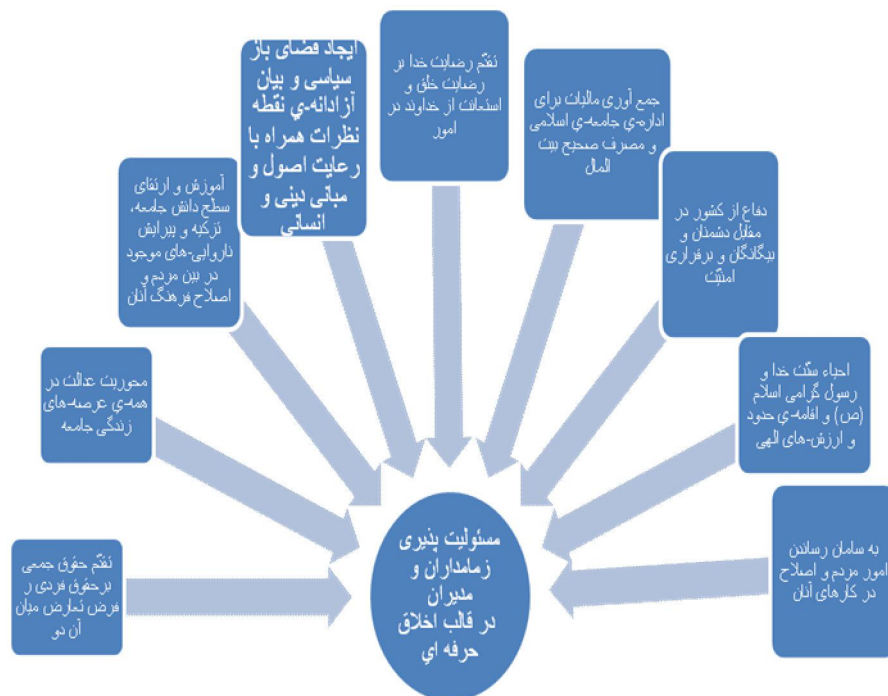
قسم سوم از مسئولیت‌های اخلاقی به صورت «اخلاق سازمانی» (انصاری، ۱۴۱۵) و «حرفه‌ای» است (بحرانی، ۱۴۱۱) که ناظر بر مسئولیت افراد به عنوان اشخاص حقوقی است و این غیر از مسئولیت‌های فردی و شغلی که بر مسئولیت افراد به عنوان شخص حقیقی تأکید دارد، می‌باشد. از منظر نهج البلاغه در این فرض، مسئولیت‌های اخلاقی مبتنی بر نگرش کل گرایانه و سیستمی است؛ یعنی به دست آوردن حقوق، مساوی است با رعایت حقوق دیگران و انجام وظایف خود در قبال حقوق دیگران عین احقاق حق خود است. حضرت علی (ع) در خطبه ۲۱۶ با بیانی زیبا ضمن توجه دادن مردم به عنوان امت اسلامی به مسئولیت‌های حرفه‌ای و سازمانی خود، به مسئولیت‌های حرفه‌ای و سازمانی حکومتی اشاره کرده که مفاد آن چنین است: «شما نسبت به من به عنوان سرپرست حکومت وظایفی دارید و من نیز نسبت به شما به عنوان حاکم وظایفی دارم و حقی بر کسی واجب نمی‌شود مگر این که همانند آن را انجام دهد» آنگاه می‌فرماید: «اگر طرفین به وظایف و مسئولیت‌های خود عمل کنند، حق در آن جامعه عزت می‌یابد و راه‌های دین پدیدار و نشانه‌های عدالت برقرار و سنت پیامبر (ص) پایدار گردد. پس روزگار اصلاح شود و مردم در تداوم حکومت امیدوار و دشمن در آرزوهایش مأیوس می‌گردد». در این نوع مسئولیت حاکم اسلامی و کارگزاران حکومتی به عنوان یک شخصیت حقوقی در قبال امت اسلامی مسئولیت‌های ویژه‌ای دارند. حضرت علی (ع) در خطبه ۳۴ در ترسیم و تبیین آن مسئولیت‌ها می‌فرماید: «حق شما بر من آن است که از خیرخواهی شما دریغ نورزم و بیت المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم و شما را آموزش دهم تا بی سواد و نادان نباشید و شما را تربیت کنم تا راه و رسم زندگی را بدانید». مردم نیز موظف‌اند در کمک به حاکم اسلامی حقوق وی را رعایت کرده و مسئولیت‌های حرفه‌ای خود را به عنوان امت

اسلامی به نحو نیکو انجام دهند؛ چنانچه در ادامه می‌فرماید: «و اما حقّ من بر شما این است که به بیعت با من وفادار باشید و در آشکار و نهان برایم خیرخواهی کنید، هر گاه شما را فراخواندم، اجابت نمایید و هر گاه فرمان دادم، اطاعت کنید».

جدول ۱. انواع مسئولیت پذیری مدیران و کارگزاران حکومت

انواع مسئولیت پذیری مدیران و کارگزاران حکومت از منظر امام علی (ع)		
اخلاق فردی	اخلاق شغلی	اخلاق سازمانی یا حرفه‌ای
۱- تلاش در جهت کسب مکارم و فضائل	۱- مسئولیت علماء در نشر علم و دانش	از منظر نهج البلاغه در این فرض، مسئولیت های اخلاقی مبتنی بر
۲- برآوردن حاجت دیگران	۲- مسئولیت کارمندان در رعایت تقوای الهی و ادای امانت و مردم‌داری	نگرش کل گرایانه و سیستمی است؛ یعنی به دست آوردن حقوق، مساوی
۳- متابعت از حق و ملازمت با آن	۳- مسئولیت مدیران و کارگزاران حکومت در حمایت از دین خدا و	است با رعایت حقوق دیگران و
۴- پرداختن حقوق دیگران	مقابله با غرور و سرکشی گنهکاران	انجام وظایف خود در قبال حقوق
۵- استفاده بهینه از نعمات الهی	۴- دفاع از حدود و ثغور مملکت اسلامی	دیگران عین احقاق حق خود است. عنصر اصلی این اخلاق یعنی اصالت
۶- رعایت حقوق دوستان و والدین	۵- فروتنی نسبت به مردم	دادن به حقوق دیگران به این معنا که
۷- توجه به مشکلات جامعه و کمک به مردم	۶- مسئولیت سرمایه داران در کمک به فقراء و ادای حقوق آنان	«شما حق دارید و من تکلیف»

جدول ۲. مسئولیت پذیری زمامداران و مدیران در قالب اخلاق حرفه‌ای در نامه ۵۰ از نهج البلاغه



در نظام اسلامی همهٔ اقشار و طبقات مردم در قلمرو کار و مأموریت خود باید مسئولیت پذیر باشند و این ویژگی در حاکمان و کارگزاران نظام اهمیتی فزون‌تر دارد. پیامبر (ص) می‌فرماید: آگاه باشید همهٔ شما در برابر تعهدات خود، نگهبان و مسئولید. پس حاکم و کارگزار در مقابل مسئولیتی که بر عهده دارد در برابر مردم مسئول و متعهد است.^۱

ساده‌زیستی: ساده‌زیستی حاکمان و کارگزاران موجب آرامش و اعتماد امت اسلامی به رهبران می‌شود، از این‌رو حضرت امیرمؤمنان (س) در بخشی از نامهٔ تاریخی خویش به عثمان بن حنیف، فرماندار بصره چنین می‌نگارد:

۱- أَلَا كُنْتُمْ رَاعٍ وَ كُنْتُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رِعْيَتِهِ، فَالْأَمِيرُ عَلَى النَّاسِ رَاعٍ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رِعْيَتِهِ... (ارشادالقلوب، ص ۱۸۴).

... پیشوای شما (علی بن ابی طالب)، از دنیا به دو لباس کهنه و از خوراک به دو قرص نان بسنده کرده است. آگاه باشید که شما هرگز توان آن را ندارید؛ ولی با زهد، پارسایی و تلاش و پاکی و استواری مرا یاری کنید. به خدا سوگند من از دنیای شما، طلا و نقره‌ای نیندوخته و از غنایم و ثروت‌های آن، ذخیره نکرده و برای این لباس کهنه‌ام، بدلی آماده نساختم و از زمین آن، یک وجب به خود اختصاص نداده و از این دنیا جز خوراک ناچیز بهره‌ای نبرده‌ام. بنابراین یک نظام سازی اسلامی که خواهان تحقق سبک زندگی اسلامی است، ابتدائاً نیازمند وجود خصلت‌هایی در حاکمانی است که مترصد ایجاد حکومت هستند و در بالا به آن‌ها اشاره گردید.

وظایف حاکمان در نظام اسلامی

سبک زندگی اسلامی مبتنی بر فرآمین و آموزه‌های اسلامی به منظور ارتقای و تعالی بندگان خدا و وظایف خاصی را بر عهده کارگزاران و حاکمان در جامعه اسلامی نهاده است که در ادامه به بعضی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌گردد.

مدارا و کنشگری صادقانه با مردم

در منشور اخلاقی و سیاسی حضرت علی (علیه السلام) مهربانی و مدارا با مردم در رأس توصیه‌های آن حضرت به حاکمان قرار گرفته است و این حکمت آموزنده این مهم را گوشزد می‌نماید؛ «رأس السیاسة استعمال الرفق؛ رأس سیاست، به کارگیری مدارا است.» امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در عهدنامه خود به مالک اشتر چنین توصیه می‌کند؛ بدان که هیچ چیز گمان مردم را نسبت به والی خوب نمی‌کند بهتر از نیکی و لطفی که والی به مردم می‌نماید و هزینه‌های آنها را سبک می‌کند و بر چیزی که بر آنها حقی ندارد ناراحت نمی‌شود. بنابراین باید کاری کنی که خوش بینی مردم را به خود جلب نمایی، زیرا که حسن ظن مردم نسبت به تو رنج و سختی فراوان را از تو دور می‌سازد. حضرت علی (علیه السلام) همچنین به مالک

اشتر چنین دستور می دهد؛ مهربانی بر رعیت را برای دل خود پوششی گردان و دوستی وزیدن با آنان را و مهربانی کردن با همگان. و مباش همچون جانوری شکاری که خوردنشان را غنیمت شماری، چه رعیت دو دسته اند؛ دسته‌ای برادر دینی تواند و دسته دیگر در آفرینش با تو همانند. گناهی از ایشان سر می‌زند، یا علت‌هایی بر آنان عارض می‌شود، یا خواسته یا ناخواسته خطایی بر دست شان می‌رود، به خطاشان منگر و از گناهشان درگذر. آن حضرت در نامه خود به محمد بی ابی بکر، والی مصر، او را به مهربانی و مدارا با مردم، توصیه‌ای می‌کند: برابر رعیت فروتن باش و آنان را با گشاده رویی و نرمخویی بپذیر و با همگان یکسان رفتار کن، گاهی که گوشه چشمی به آنان افکنی یا خیره‌شان نگاه کنی، یا یکی را به اشارت خوانی، یا به یکی تحیتی رسانی، تا بزرگان در تو طمع ستم - بر ناتوان - نبندند و ناتوانان از عدالتت مأیوس نگردند. چنان که از توصیه‌های امام علی (علیه السلام) بر می‌آید باید حاکمان، مسئولان و مدیران جامعه اسلامی مهربانی و مدارا با مردم را در سرلوحه کارهای خود قرار دهند و تمرین بردباری کنند تا بتوانند به وظایف خود به نحو احسن عمل کنند. حضرت علی (علیه السلام) در عهدنامه خود به مالک اشتر در انتخاب قاضی چنین توصیه می‌کند؛ «برای قضاوت بین مردم از میان افراد جامعه کسی را انتخاب کن که در نظر تو فاضل‌ترین و بهترین باشد، آنکه کارها او را در تنگنا قرار ندهد و ارباب رجوع سبب تندخویی او نگردد... از رفت و آمد ارباب رجوع کمتر خسته شود و برای آشکار شدن کارها شکیبایی کرده و وقتی حکم روشن شد در قضاوت قاطع‌تر عمل کند.»

در منشور اخلاقی و سیاسی حضرت علی (علیه السلام)، حاکمان به برخورد صادقانه با مردم توصیه می‌شوند؛ «ای مالک ... اگر رعیت بر تو گمان ستم برد، عذر خود را آشکارا با آنان در میان گذار و با این کار از بدگمانی‌شان در آر. که بدین رفتار نفس خود را به فرمان آورده باشی و با رعیت مدارا کرده و حاجت خویش را برآورده و رعیت را به راه راست واداشته‌ای.» برخورد صادقانه حاکم با مردم نیز به این معنی است که حاکم اسلامی مردم خود را محرم اسرار خود بداند و برخی از مسایل حکومتی را که باید مردم از آن آگاه باشند، با آنان در

میان بگذارد و از آنان مشورت بخواهد؛ برخورد صادقانه حاکم با مردم خود به این معنی است که اگر حاکم خود را در اجرای مسئولیتش ناتوان می‌بیند و یا نمی‌تواند خودش را از چنگال اطرافیان خائن و نادان نجات دهد، بی‌درنگ استعفا دهد و از اعتماد مردم سوء استفاده ننماید و وقتی می‌بیند که نمی‌تواند امانت داری کند، صادقانه و دلاورانه امانت را بازپس دهد.

گزینش صالحان برای مسئولیت‌ها

به کارگیری افراد صالح و متعدد در مدیریت نظام اسلامی از وظایف حاکمان است و مدیریت کارگزاران و مدیران ناصالح در نهایت به ناکارآمدی نظام می‌انجامد. امیرمؤمنان (ع) می‌فرماید: سزاوار نیست برای حاکمان در سه مورد کوتاهی کنند: حراست از مرزها؛ رسیدگی به حقوق پایمال شده؛ گزینش شایستگان برای مسئولیت‌های مختلف^۱.

حضرت علی علیه السلام در سیره حکومتی خویش بسیار مراقب بودند تا افراد صالح و شایسته را برای اداره امور انتخاب کنند و کسانی را که لیاقت، شایستگی و برتری بیشتری نسبت به سایرین دارند، برای انجام مسئولیت برگزینند. آن حضرت هرگز اجازه نمی‌دادند والیان ناشایست بر مردم حکومت کنند؛ چنان که همه افرادی را که عثمان بر سر کار آورده بود، از کار برکنار نمودند و افرادی را که شایستگی کافی برای انجام مسئولیت داشتند، بر سر کار آوردند؛ زیرا آنان پست و مقام خود را یا به سبب اشرافیت و یا بازی‌های سیاسی به دست آورده بودند. حتی خود معاویه را نیز که از سران قبیله قریش بود، از کار برکنار نمودند (آیت الله جوادی آملی، ۴۳۴).

امیدبخشی و تحیرزدایی

از مهم‌ترین وظایف حاکم و کارگزار این است که هنگام فتنه و سختی روزگار و در شرایطی که امت دچار گمراهی و سردرگمی است، نور امید را در دل‌های آنان بیفشاند و مردم را از

۱- لیسَ يُحِبُّ لِلْمُلُوكِ أَنْ يُفَرِّطُوا فِي ثَلَاثٍ: فِي حِفْظِ النُّفُورِ وَ تَفَقُّدِ الْمَظَالِمِ وَ اخْتِيَاظِ الصَّالِحِينَ لِأَعْمَالِهِمْ (تحف العقول، ص ۳۱۹).

ناامیدی، تفرقه و تحیر رهایی بخشد. امیرمؤمنان، علی (ع) در وصف رسول گرامی (ص) به عنوان حاکم و راهبر امت اسلامی می‌فرماید: «... خدا با فرستادن پیامبر، مردم را از جهالت، گمراهی و سردرگمی رهانید.»^۱

در جای دیگر می‌فرماید: «... او طیبی بود که برای درمان مردم همواره در گردش بود. مرهم‌هایش توانبخش و ابزار طبابت او همواره آماده بود تا هر جا نیاز شد، آن را به کار گیرد؛ دل‌های نابینا و حیران را بصیرت دهد. گوش‌های ناشنوا را شنوا کند و زبان‌های لال را به گفتن به هنگام سرگردانی و غفلت وادارد.»^۲

تحیرزدایی از امت توسط حاکمان اسلامی چنان مهم است که اگر تبلیغ و ارشاد و نصیحت و تذکر مؤثر واقع نشده جا دارد برای تحقق آن از سر و جان گذشت، چنان‌که حضرت امام حسین (ع) چنین کرد. در بخشی از زیارت اربعین ان حضرت می‌خوانیم: «... او خون دل خویش را داد تا بندگان تو را از جهالت و سرگردانی گمراهی برهاند».^۳

وظایف مردم در برابر کارگزاران سیاسی در سبک زندگی اسلامی

همانطور که در سبک زندگی تجویزی از سوی اسلام حاکمان و کارگزاران وظایفی دارند، مردم نیز در برابر کارگزاران و حکومت اسلامی وظایفی دارند که این تجویزات در سخنان معصومان اشاره گردیده است.

۱- فَهَدَاهُمْ بِهٖ مِنَ الضَّلَالَةِ وَأَتَقَدَّهُمْ بِمَكَانِهِ مِنَ الْجَهَالَةِ (نهج البلاغه، خطبه ۱، بند ۴۳).

۲- طَيْبٌ دَوَّارٌ بِطَبِّهِ، قَدْ أَحْكَمَ مَرَاهِمَهُ وَأَحْمَى مَوَاسِمَهُ، يَضَعُ ذَلِكَ حَيْثُ الْحَاجَةُ إِلَيْهِ مِنْ قُلُوبِ عُمَى وَأَذَانِ صُمَّمٍ وَالسُّتَةِ بَكْمٍ، مُتَّبِعٌ بِدَاوِيَةِ مَوَاضِعِ الْغَفْلَةِ وَ مَوَاطِنِ الْحَيْرَةِ (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۸).

۳- وَبَذَلَ مُهْجَتَهُ فِيكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ (مصباح‌المتجهد، ص ۵۸۹، زیارت اربعین امام حسین (ع)).

وفاداری به نظام اسلامی

یاری و وفاداری از جمله حقوق حاکم عادل بر توده مردم است. امیرمؤمنان (ع) در خطبه‌ای با برشمردن این حقوق و وظایف می‌فرماید: ای مردم! اما حقی که من بر عهده شما دارم وفاداری به بیعتی است که با من داشته‌اید.^۱

نصیحت و مشارکت سیاسی

در فرهنگ اسلام مردم وظیفه دارند نسبت به حاکمان، ضمن وفاداری ناصحانه و خالصانه نصیحت (خیرخواهی) داشته باشند و این کار عملی نیست مگر با حضور همه جانبه مردم در اداره امور که ثمره آن رشد و تعالی حکومت اسلامی است، از این رسول خدا (ص) در حجه-الوداع مردم را در مسجد خیف گرد آورد و برای آنان خطبه‌ای جامع خواند و در آن فرمود: سه چیز است که مسلمان در آن‌ها خیانت نمی‌کند (و با قلبش آن‌ها را می‌پذیرد): ۱. خالصانه کار کردن برای خدا؛ ۲. وفاداری خالصانه و نصیحت و خیرخواهی برای حاکمان و پیشوایان مسلمان؛ ۳. حضور و مشارکت همیشگی در اجتماع مسلمانان که (در این صورت) دعای امامان شامل حال آنان است^۲ (آیت اله جوادی آملی، ۱۳۹۰، ص ۲۴۵).

همکاری اطلاعاتی

هنگامی که قوم «بنی‌ناجیه» از حضرت امیرمؤمنان (س) سرپیچی کردند، ایشان شخصی به نام عبدالله بن قعین را مأمور تعقیب آنان کرد. او پس از تحقیق، به امیرمؤمنان (ع) به صورت رمزی گزارش داد که آن‌ها از کوفه کوچ کرده‌اند. سپس امیرمؤمنان (ع) در بخشنامه‌ای به همه کارگزاران و فرمانداران شهرها چنین نوشت: این، نامه‌ای است از بنده خدا امیرمؤمنان به همه کارگزاران حکومتی که این نامه بر آن‌ها خوانده می‌شود: گروهی که با ما بیعت کرده و از

۱- أَيُّهَا النَّاسُ... أَمَا حَقِّي عَلَيْكُمْ فَالْوَفَاءُ بِالْبَيْعَةِ (نهج البلاغه، خطبه ۳۴).

۲- ثَلَاثٌ لَا يَغْلُ عَلَىٰ هِنَّ قَسْلُبُ أَمْرِي مُسْلِمٌ: إِخْلَاصُ الْعَمَلِ لِلَّهِ وَالنَّصِيحَةُ لِأَنْعَمِ الْمُسْلِمِينَ وَاللِّزُومُ لِجَمَاعَتِهِمْ، فَإِنْ دَعَوْتَهُمْ مُحِيطَةً مِنْ وَرَائِهِمْ (الكافي، ج ۱، ص ۴۰۳).

کوفه گریخته‌اند. گمان می‌کنیم که به سوی بصره رفته باشند. از مردم درباره آن‌ها پرس‌وجو کنید و در همه اطراف و مناطق دیده‌بانانی قرار دهید و در نهایت اخبار رسیده را گزارش کنید^۱ (همان، ۴۶۴).

امام رضا (ع) فرمود: سیره پیامبر (ص) چنین بود هرگاه سپاهی را به جایی می‌فرستاد و به فرمانده آن اعتماد نبود، آن حضرت فردی مورداعتماد را همراه سپاه می‌فرستاد تا اوضاع و احوال سپاه و فرمانده آن را زیرنظر داشته و به آن گرامی گزارش دهد.^۲

باید گفت که برای این کار حساس، هرکسی گزینش نمی‌شود، بلکه کسانی که صلاحیت لازم مانند صداقت و دینداری دارند می‌توانند این رسالت را بر عهده بگیرند. حضرت علی (ع) خطاب به مالک اشتر می‌نویسد: برای کنترل کارگزاران خود دیده‌بانانی از اهل صدق و وفا تعیین کن.^۳

تا بدین جا مختصات سبک زندگی اسلامی در خصوص تعامل مردم و کارگزاران استخراج و بدانها اشاره شد. این پژوهش مطرح می‌کند که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران گونه‌ای کاربست از همین سبک زندگی اسلامی تجویز شده در باب تعامل میان مردم و کارگزاران سیاسی می‌باشد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که برای نظام مردم سالار دینی و براساس قوانین اسلام و نیازمندی‌های پیچیده عصر حاضر نگاشته شده است، اصل حاکمیت مردم در چارچوب دین اسلام می‌باشد یعنی همان اصلی که در سبک زندگی اسلامی باید عملیاتی شود.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران که با حضور گسترده مردم روی داد و در واقع یکی از مردمی‌ترین انقلاب‌های تاریخ به شمار می‌آید، شرایط برای مشارکت سیاسی مردم به عنوان

۱- من عبدالله علیّ أمير المؤمنين إلى من قرأ كتابي هذا من العمال؛ أما بعد، فدين رجالاً لنا عندهم بيعة خرجوا هراباً نطقتهم وجهوا نحو بلاد البصرة فاسأل عنهم أهل بلادك واجعل عليهم العيون في كل ناحية من أرضك ثم اكتب إلي بما ينشهي إليك عنهم (الغارات، ج ۱، ص ۲۲۵).

۲- كان رسول الله (ص) إذا بعث جيشاً فأنهم أميراً بعث معه من ثقاته من يتجسس له خيرة (وسائل الشيعة، ج ۱۵، ص ۶۰).

۳- وابتع العيون من أهل الصدق والوفاء عليهم (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

یکی از خواسته‌های مهم تاریخی آنان آماده گردید. رهبری انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) همواره در خصوص نقش مردم در تعیین سرنوشت خود تأکید می‌نمود. امام معتقد بود که: «ملت خودش است که سرنوشت خودش را به دست دارد... خود ملت است که با رأی خودش رئیس جمهوری تعیین می‌کند، جمهوری اسلامی را رأی می‌دهد و با رأی خودش که متمرکز است در مجلس دولت را تعیین خواهد کرد و همه امور به دست خود ملت است» (صحیفه نور، ج ۱۳، ۲۹) همان طوری که ایشان تصریح می‌دارند: مردم در انتخابات آزادانه و احتیاج به قیم ندارند و هیچ فرد یا گروه یا دسته‌ای حق تحمیل فرد یا افرادی را به مردم ندارند. جامعه اسلامی ایران با درایت و رشد سیاسی خود جمهوری اسلامی و ارزش‌های والای آن و حاکمیت قوانین خدا را پذیرفته خود به این بیعت وفادار مانده‌اند مسلم قدرت تشخیص و انتخاب کاندیدای اصلح را دارند» (صحیفه نور، ج ۱۹، ۲۰۶) براساس چنین برداشت نظری از حق مردم بود که در قانون اساسی و براساس همه پرسی سال ۱۳۵۸، در اصل اول نوع حکومت جمهوری اسلامی قید گردید. مفهومی که بر نقش گسترده مردم در شکل‌گیری نهادهای نظام و انتخابات آزاد تأکید می‌نمود. طبیعی است که لازمه نظام جمهوری پذیرش و اعتلای حقوق سیاسی و مدنی شهروندان و بویژه حق آزاد انتخابات بود؛ چرا که اساس جمهوری تحقق حاکمیت مردم و انتخابی بودن حقیقی رهبران سیاسی با نظر و رأی مردم بود و از سوی دیگر پاسخگو بودن همه مسئولان در قبال مردم است. در عین حال در عنوان حکومت ایران و بر مبنای قانون «اسلامی» نیز آورده شده است که بدون تردید مبین محتوای حکومت ایران می‌باشد. به این معنی که این حکومت جمهوری با اصول و مبانی اسلامی اداره می‌گردد (درخشه، ۱۳۸۹، ص ۸). مردم همان طور که به دلایل سیاسی و اجتماعی شکل حکومت را انتخاب می‌کنند حق آن را دارند که به دلیل ایمان و اعتقادشان پایه اصول و آرمانهایی که به آن دل بسته‌اند، محتوای حکومتشان را انتخاب کنند. بنابراین از آنجا که اسلام برای مردم ایران ایمان و امری در نهایت قداست بوده است، آن را محتوای نوع حکومتشان انتخاب کرده و پذیرفته‌اند (عمید زنجانی، ۱۳۶۶، ص ۱۰۰) در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران توجه به آرای مردم و انتخابات به عنوان

فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی

مهم‌ترین ابزار اعمال حق حاکمیت مردم بیان گردیده است. در این راستا از ویژگی‌های اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران اداره امور کشور با اتکاء به آرای عمومی است که در اصل ششم قانون اساسی و در اصول کلی آن آورده شده است. این اصل تأکید می‌دارد:

«در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکا آراء عمومی اداره شود از راه انتخابات، انتخابات رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر اینها یا از راه همه پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد» همچنین در مؤخره اصل پنجاه و ششم تأکید شده است «هیچ کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند.»

بر این اساس «انتخابات در نظام جمهوری اسلامی راه را بر روی هرگونه ورود زمامداری از طرق غیر مردمی (فتح، وراثت و نظایر آن) می‌بندد» (هاشمی، ۱۳۷۴، ص ۲۷۲) عمید زنجانی در این باره معتقد است که با عنایت به اینکه در اصل ششم آمده است «کلیه امور» تمام اصول قانون اساسی و از جمله اصل ۱۰۷ و ۱۰۸ و ۱۰۹ و ۱۱۰ را شامل می‌شود (عمید زنجانی، ۱۳۷۷، صص ۴۳-۴۲). چرا که پذیرش رهبر نیز به شکل غیرمستقیم از جانب مردم می‌باشد زیرا خبرگان نمایندگان مردم به شمار می‌آیند که در انتخاب رهبری نقش اساسی دارند (مدنی، ۱۳۶۹، ص ۶۸).

بنابراین قانون اساسی جمهوری اسلامی به عنوان ویتترین سبک زندگی مدنظر در مردم سالاری دینی ایران عنایت خاص و حقوقی به نقش مردم در اداره امور حکومت دارد و تاریخ حقوقی و سیاسی جمهوری اسلامی مؤید این معناست که می‌توان به همه پرسی تعیین نوع حکومت، قانون اساسی و انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، شوراها به عنوان نمونه‌های بارز اعمال این حق ملت اشاره نمود.

نتیجه گیری

در شریعت اسلام که به تصریح قرآن^۱، تعالیم آن منطبق بر فطرت انسان و بنابراین متناسب با نیازهای متنوع اوست، نیاز اساسی بشر به نظام سازی تأیید و بر ضرورت حکومت در جامعه اسلامی تأکید شده است. طبق بیان حضرت علی علیه السلام هر جامعه‌ای نیاز به حاکم و فرمانروا دارد، چه نیکوکار و چه گناهکار^۲. این همان موضوعی است که به نظام سازی در تحقق سبک زندگی اسلامی نقش آفرینندگی می‌بخشد. آن گونه نظام سازی‌ای می‌تواند محقق سبک زندگی اسلامی باشد که بر طبق گفتار و کردار معصومین بر ژایه عدالت محوری، مسئولیت پذیری و ساده زیستی باشد. در این پژوهش مطرح گردید که در پردازش سبک زندگی اسلامی تجویز شده در خصوص رابطه کارگزاران سیاسی و مردم به منظور کاربست در مردم سالاری اسلامی در ایران به دو وجه کلاسیک و نوین باید توجه داشت. وجه کلاسیک آن قول و سیره معصومین می‌باشد و وجه نوین، پیچیده و مدرن آن در قانون اساسی کنونی جمهوری اسلامی ایران است که برگرفته از سبک زندگی اسلامی کلاسیک و مطابق با پیچیدگی‌ها و نیازهای اجتماعی دنیای کنونی می‌باشد و این در در یک نقطه تلاقی یعنی تعامل بین مردم و کارگزاران به یکدیگر می‌رسند. به منظور جاری بودن و تحقق عینی سبک زندگی اسلامی کارگزاران سیاسی وظیفه مدارا، کنشگری صادقانه، گزینش صالحان برای مسئولیت‌های حکومتی و امید بخشی را دارند. چنانکه در برهه‌هایی از مردم سالاری دینی در ایران شاهد بوده‌ایم تحقق سبک زندگی اسلامی در آن بخشی که متوجه کارگزاران سیاسی است نیاز دارد که در هنگام فتنه و سختی روزگار و در شرایطی که امت دچار گمراهی و سردرگمی است، نور امید را در دل‌های آنان بیفشاند و مردم را از ناامیدی، تفرقه و تحیر رهایی بخشد. همچنین سبک زندگی اسلامی دستوراتی نیز برای مردم در قبال کارگزاران سیاسی دارد و آن در درجه نخست وفاداری به بنیادها و نظام اسلامی به منظور رفع مشکلات در طی زمان است. آن گونه وفاداری که از

۱- سوره مبارکه روم آیه ۳۰.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۴۰.

فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی

ناصحانه و خیرخواهانه باشد که نمود عینی آن مشارکت سیاسی، مشورت و امر به معروف و نهی از منکر حاکمان می‌باشد. همچنین سبک زندگی اسلامی مردم را موظف به همکاری اطلاعاتی با حکومت می‌داند. با توجه به این فرامین کلاسیک مردم سالاری دینی ایران در صدد تحقق سبک زندگی اسلامی در رتباط نیان مردم و کارگزاران سیاسی بوده است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نمودی از این تلاش بوده است که در خود حاکمیت مردم بر سرنوشت خود در چارچوب اسلام و تعامل میان مردم و حکومت را دارا می‌باشد.

منابع فارسی

- کلام الله قرآن مجید.
نهج البلاغه.
نامه امام علی (ع) به مالک اشتر نخعی.
ابن شهر آشوب. (۱۴۰۵ ه.ق). مناقب آل ابی طالب (ع)، دارالاضواء، بیروت.
آلموند، گابریل و همکاران. (۱۳۷۶). ترجمه علیرضا طیب، سیاست تطبیقی، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
انصاری، محمد علی. (۱۴۱۵ ه.ق). الموسوعه الفقهيہ الميسره، ج ۱ (دوره ۳ جلدی)، مجمع الفکر الاسلامی، قم.
ایزدی فرد علی اکبر. (۱۳۸۹). مسئولیت پذیری کارگزاران و مدیران از دیدگاه امام علی (ع)، مجموعه مقالات سیاست های کلی نظام اداری.
بحرانی، هاشم. (۱۴۱۱ ه.ق). حلیه الابرار فی احوال محمد (ص) و آله الاطهار (ع)، ج ۲ (دوره ۲ جلدی)، تحقیق غلامرضا مولانا بحرانی، مؤسسه المعارف الاسلامیه، چاپ اول.
جوادی آملی. (۱۳۹۱). مفاتیح الحیات، انتشارات اسرار، قم.
درخشه، جلال. (۱۳۸۹). ابعاد حاکمیت مردم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. قابل دسترس در: <http://pub.isu.ac.ir>

صحیفه نور، تهیه و تدوین سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، مجلدات، ۶، ۸، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۲۱، انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران، بی تا.

عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۳۶۶). فقه سیاسی جلد اول، حقوق اساسی و مبانی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، امیرکبیر، تهران.

عالم، عبدالرحمن. (۱۳۷۳). بنیادهای علم سیاست، نشر نی، تهران.

نبوی، سید عباس. (۱۳۵۷). فقه، زمان و نظام سازی، مجله کیهان اندیشه، شماره ۶۷.

هاشمی، سید محمد. (۱۳۷۴). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول.